

شصت و بنی صدر و مجاهدین تا جنگ و آخرش هم رحلت امام اما مطلب همین جاست. اولاً از همان‌ها هم چندان نگفته‌اند آنقدر از این چیزها گفته‌اند که اصل قضیه مخفی مانده است.

اصل قضیه انقلاب چیست؟ هویت انقلاب اسلامی به امتدادبخشی نهضت انبیاست و اگر این عنوان را از او بگیریم دیگر عنوان اسلامی بر آن صدق نخواهد کرد. نهضت انبیا به دنبال چیست؟ اینجاست که آیه ۲۵ سوره حدید می‌درخشد:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»

پیامبران با نشانه‌های روشن فرستاده شده‌اند و کتاب و میزان تشخیص حق از باطل به آنها داده شده است تا مردم قسط را اقامه کنند یعنی اصلی‌ترین ثمره و دستاورد انقلاب قیام مردم برای برپایی قسط است. بقیه موارد فرع حرکت مردم است و از این منظر اگر بهترین شرایط را در فناوری و رفاه و حتی به خیال خودمان عدالت پیدا کنیم ولی مردم در میان میدان نباشند کاری از پیش نرفته است، چرا که رفاه انسانی در سایه اختیار انسان و حرکت از سر او به دست می‌آید و حتی بهتر بگوییم بدون اینکه مردم سالار سرنوشت خود بشوند، بسیاری از این اهداف به دست نخواهند آمد.

در سال‌های اولیه انقلاب این هدف بزرگ، قیام مردم و سالار شدن مردم بر سرنوشت خود- محقق می‌شود و ثمرات عجیبی به دست می‌دهد. انقلاب به دنبال بر هم زدن نظم جدیدی بود که فارغ از دو جریان سرمایه‌داری یا سوسیالیسم حاکم بر جهان بود. شعار ما نه شرقی و نه غربی بود و جایگزین آن جمهوری

اسلامی بود یعنی مردمسالاری دینی! ما با انقلاب نظم‌های قبلی را نفی کرده بودیم و در ابتدای انقلاب به دنبال یک نظم جدید بودیم. در ابتدای انقلاب، رهبران انقلاب این را فریاد می‌زدند. به این جملات شهید بهشتی درباره مدل اجرایی کشور نگاه کنید
من اعلام می‌کنم ما این سیستم اداری و بوروکراسی حاکم بر کشور را قبول نداریم. این نظام بوروکراسی و دیوان‌سالاری ضدانقلاب است؛ نه آدم‌هایش، خود سیستم. چون برای حل مشکلات مردم بنا نشده است. برای حاکمیت غرب و استبداد بر کشور طراحی شده است... کار اصلی در این مملکت واژگون کردن کل این سیستم است. (سخنرانی در جمع مردم شهری ۱۳۵۹)

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی در فصل قوه مجریه تصریح شده است که نظام بوروکراتیک از جلوه‌های حاکمیت طاغوت است و باید بشدت نفی شود. قوه مجریه به دلیل اهمیت ویژه‌ای که در رابطه با اجرای احکام و مقررات اسلامی به منظور رسیدن به روابط و مناسبات عادلانه حاکم بر جامعه دارد و همچنین ضرورتی که این مسأله حیاتی در زمینه‌سازی وصول به هدف نهایی حیات خواهد داشت بایستی راهگشای ایجاد جامعه اسلامی باشد. نتیجتاً محصور شدن در هر نوع نظام دست و پاگیر پیچیده که وصول به این هدف را کند و یا خدشه‌دار کند از دیدگاه اسلامی نفی خواهد شد. بدین جهت نظام بوروکراسی که زاییده و حاصل حاکمیت‌های طاغوتی است بشدت طرد خواهد شد تا نظام اجرایی با کارایی بیشتر و سرعت افزون‌تر در اجرای تعهدات اداری به وجود آید. این نظام اجرایی که جای نظام بوروکراتیک قبلی را می‌گیرد مبتنی بر یک عقلانیت جدید است و به جریان‌های دیگری منتهی می‌شود. در نگاه امام هنوز انقلاب پیروز نشده است و فقط دست اجانب و حکام خائن کوتاه شده است (همان چیزی که ما به عنوان کل انقلاب اسلامی می‌شناسیم!) و مردم هنوز باید در صحنه باشند. پس نباید مردم از خیابان‌ها به خانه بروند، مساجد سنگر جدید برای سازماندهی دور جدید انقلاب است. دیدارهای ماه‌های اول ورود امام پر از تقاضای امام و تأکید بر ناتمام بودن انقلاب و ضرورت در صحنه بودن مردم گام جدید سازندگی است. الان مملکت ما همه چیزهایش، همه چیزهایش خراب است از همه کشور... ما باید از سر، یک مملکت را بسازیم. نه دولت [به تنهایی] همچو کاری می‌تواند بکند نه بعضی اقشار ملت. باید همه با هم دست به هم بدهند. اگران شاء الله همه دست به هم دادند، این مملکت از این آشفتگی خارج می‌شود. چنانچه دیدید که همه دست به هم دادید و بحمدالله بر قدرت‌های دنیا غلبه کردید. (۱۷ بهمن ۱۳۵۷)

خرابی‌ها بسیار است: در جهت اقتصاد، در جهت فرهنگ، در جهت ارتش، در جهت دیگر. و این با کوشش همه‌جانبه همه اقشار ملت باید ترمیم بشود. کوشش کنید اجانب را بیرون کنید. این قدم اول است. قدم دوم، قدم سازندگی است، مهم‌تر از قدم اول است. قدم سازندگی از حالا به بعد شروع می‌شود. (۲۰ بهمن ۱۳۵۷).

”
سوال چگونه است که ما از این دوران طلایی هیچ نمی‌دانیم؟
چون یک جریان تاریخ‌نگاری خاص در جهان هیچ وقت مایل به بیان این دوره درخشش رقیبش نبوده است و به همین دلیل این دوره در ذهن‌ها مکتوم مانده است. به همین راحتی پانصد سال از تاریخ محو شده است

